

## درآمدی بر بازشناسی انتقادی گزاره‌های تاریخی تذکره‌الاولیاء

شیرزاد طایفی

دانشیار - عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

### چکیده

تذکره‌الاولیاء تنها اثر منشور عطار است، که به سبب اشتغال بر وقایع مختلف، ظاهراً باید گویای اسناد تاریخی معتبری باشد؛ از این رو برای پاسخ به این مسأله و حصول اطمینان، بازشناسی انتقادی داده‌های تاریخی آن ناگزیر می‌نماید. در این پژوهش به روش استقرایی-تحلیلی، گزاره‌های تاریخی تذکره‌الاولیاء را بررسی کرده، در تطبیق آن‌ها با منابع تاریخی دیگر به اختلاف نظرهایی دست یافته، و به ریشه‌یابی این تفاوت‌ها پرداخته‌ایم. دستاورد پژوهش نشان می‌دهد مسائلی چون هدف عطار از تألیف کتاب، باورداشت‌های مذهبی، جانب‌داری عرفانی، فراوانی منابع و ایجاز در روایت، از جمله عوامل ایجاد مغایرت میان داده‌های این کتاب با اسناد تاریخی است. این پژوهش می‌تواند زمینه‌ای برای بازشناسی رخدادهای تاریخی از طرز تلقی‌های عرفانی باشد، چرایی این برداشت‌های متفاوت را نیز نشان دهد. واژگان کلیدی: عطار نیشابوری، تذکره‌الاولیاء، نثر فارسی، گزاره‌های تاریخی، بازشناسی انتقادی

### ۱. مقدمه

شیخ فریدالدین ابوحامد محمد، عطار نیشابوری، از مشایخ بزرگ و شاعران نامدار، در حدود سال ۵۴۰ ه.ق در کدکن نیشابور به دنیا آمد. اشتها او به عطار به واسطه آن است که دکان عطاری داشته و به اصطلاح آن زمان، شغل داروفروشی و طبابت داشته است. پدر او - ابوبکر ابراهیم - نیز داروفروش بود و دکان عطاری داشت و شیخ، عطاری را از پدر به ارث برده است. فریدالدین عطار از کودکی به سخنان صوفیه و عارفان تمایل داشت؛ چنان‌که در تذکره‌الاولیا به این مطلب اشاره دارد. وی از آغاز، به تحصیل علوم و فنون مختلف پرداخت؛ از بحث و جدل و قیل و قال مدرسه چندان راضی نبود و سرانجام به وجد و حال و ذوق و معرفت خانقاهی روی آورد. عطار در طریقه تصوف، مرید شیخ مجدالدین بغدادی بود، و مجدالدین از خلفا و مشایخ نجم‌الدین کبری بود؛ پس عطار بر طریقه کبرویه سلوک می‌کرد و صوفیه ذهبی در حال حاضر بدان طریق منتسب هستند؛ اما فروزانفر با ذکر دلایل بسیار، از مدت عمر و مسافرت‌های نجم‌الدین کبری و کیفیت طریقه او، نیز عدم ذکر نام نجم‌الدین در آثار عطار، و ذکر نام مجدالدین بغدادی فقط در یک مورد، در پیروی عطار از طریقه کبرویه تردید می‌کند؛ ولی قول دولتشاه را که می‌گوید: «شیخ فریدالدین عطار خرقه تبرک از دست سلطان‌العاشقین، فخرالشهداء مجدالدین بغدادی دارد» به واقعیت نزدیک می‌داند.

عطار در تمام علوم زمان، از ادب و حکمت و کلام و نجوم و علوم دینی، از تفسیر و روایت حدیث و فقه و طب و گیاه‌شناسی به کمال رسیده، در نیشابور آن زمان که مرکز دانش و بحث علمی فرقه‌های مختلف بود مرجعیت داشت، و مردم به‌خصوص در معالجه‌ی امراض به او مراجعه می‌کردند. وی مذهب اهل سنت داشت و این اعتقاد در آثارش آشکار است؛ اما مانند همه صوفیه اهل سنت، از حضرت علی بن ابی‌طالب (ع) با خلوص و اعتقاد و اقرار به فضایل آن امام بزرگوار، سخت ستایش می‌کند، و همین ستایش و احترام سبب شده که قاضی نورالله شوشتری او را شیعه به شمار آورد.

کتاب منشور عطار تذکره‌الاولیاء است. دو اثر منظوم او: جواهرنامه و شرح‌القلب از میان رفته است و منظومه‌های دیگر او عبارتند از: الهی‌نامه، اسرارنامه، خسرونامه، مصیبت‌نامه، منطق‌الطیر، دیوان قصاید و غزلیات، مختارنامه که مجموعه رباعیات است. (سجادی، ۱۳۷۴: ۱۲۸-۱۳۱)

«تذکره‌الاولیاء عبارت است از مجموعه مقامات و مقالات مشایخ بزرگ صوفیه. در تألیف آن نیز عطار برای خود دوایی بسیار داشته است که از آن جمله نزدیک پانزده سبب را در مقدمه کتاب ذکر می‌کند و از همه مهم‌تر تأثیری است که اقول و احوال مشایخ دارد در تهذیب نفوس. مآخذ وی البته متنوع بوده است و هر چند شیخ عادت به ذکر مآخذ و بیان اسانید ندارد، ظاهراً به طبقات‌الصوفیه سلمی، رساله‌التشیریه، و کشف‌المحجوب هجویری بیشتر نظر داشته است و از پاره‌ای موارد بر می‌آید که از حلیه‌الاولیاء حافظ ابی نعیم و کتاب اللمع ابونصر سراج نیز استفاده کرده است. از این‌ها گذشته، در باب بعضی مشایخ از آثار خود آن‌ها یا کتاب‌هایی که در مقامات آن‌ها تألیف یافته، بهره برده است؛ چنان‌که از رساله‌النور سهلکی [درباره بایزید]، و از سیرت دیلمی در باب شیخ کبیر ابو عبدالله بن خفیف استفاده کرده است. در عین حال استفاده از این مآخذ ظاهراً با تصرف‌ها و دستکاری‌هایی هم همراه بوده است و شیخ پاره‌ای از روایات شفاهی و روایات دیگر را نیز در آنها افزوده است.» (زرین‌کوب، ۱۳۷۹: ۲۶۸)

جایگاه والای عطار و تذکره‌الاولیاء در ادبیات و عرفان، توقع مخاطب را در سایر ابعاد این اثر بالا می‌برد و انتظار می‌رود این اثر که دربرگیرنده یک سلسله حوادث و احوال بزرگان است، سندی جامع‌الاطراف برای فرهنگ و تاریخ ایرانی محسوب شود؛ اما تغییراتی که عطار بر اساس استنباط‌ها و دانش و معلومات خود در اسناد مورد استفاده به وجود آورده است و افزون بر آن، چون عطار در نقل مطالب تذکره‌الاولیاء ارجاعی به منابع مورد استفاده خود در تألیف این کتاب ندارد، ابهام در صحت موارد مشکوک را بیشتر می‌کند، و نیاز به بازشناسی انتقادی گزاره‌های تاریخی آن بیش از پیش احساس می‌شود.

## ۲. پیشینه پژوهش

با توجه به جایگاه والای عطار نیشابوری در ادب فارسی، به‌ویژه ادب عرفانی، پژوهش‌های فراوانی درباره او و آثارش، از جمله تذکره‌الاولیاء به انجام رسیده است. برخی پژوهشگران به طور بسیار پراکنده، اشاره‌هایی انتقادی به برخی گزاره‌های تاریخی تذکره‌الاولیاء داشته‌اند؛ اما در این نوشتار برای نخستین بار به بازشناسی انتقادی ابعاد تاریخی این کتاب پرداخته-ایم؛ هرچند این هدف بسیار گسترده است، و پژوهش حاضر تنها درآمدی بر این واکاوی انتقادی به شمار می‌رود.

## ۳. فرضیه پژوهش

۱. با توجه به انگیزه و هدف اصلی عطار در تألیف کتاب تذکره‌الاولیاء، که تعلیم و اندرز و نمایاندن الگوهای برای رسیدن به تهذیب نفس بوده، ممکن است ابعاد و جنبه‌های تاریخی این کتاب، تناقض‌ها و مغایرت‌هایی با اسناد تاریخی داشته باشد.

## ۴. پرسش‌های پژوهش

۱. تفاوت‌ها و مغایرت‌های گزاره‌های تاریخی تذکره‌الاولیاء با دیگر کتاب‌ها و منابع معتبر تاریخی بیشتر در چه زمینه‌هایی - احوال، اقوال، کرامات، تاریخ زندگی، دیدارها و... - مشهودتر است؟

۲. کدام یک از ابعاد وجودی عطار، سبب بروز این تفاوت‌ها و مغایرت‌ها در تذکره‌الاولیاء با سایر آثار تاریخی شده است؟

### ۵. اختلاف‌ها و تناقض‌های تذکره‌الاولیاء با دیگر منابع

کاوش در صحت و سقم گزاره‌های تاریخی تذکره‌الاولیاء و مقایسه آن با منابع تاریخی و ادبی، به درک تفاوت‌هایی میان این کتاب با دیگر منابع می‌انجامد. به پاره‌ای از این اشتباه‌های تاریخی که در تذکره‌الاولیاء با آن‌ها مواجه می‌شویم، اشاره می‌کنیم:

الف. وجه تسمیه حلاج

عطار در تذکره‌الاولیاء دلیل آن که حلاج را به این نام می‌خواندند، این گونه بیان می‌کند: «از اسرار با خلق سخن می‌گفت تا او را «حلاج الاسرار» گفتند.» (عطار نیشابوری، ۱۳۹۰: ۵۱۱)

نیز: «و او را حلاج از آن گفتند که یک بار به انباری پنبه برگذشت. اشارتی کرد، در حال دانه از پنبه بیرون آمد و خلق متحیر شدند.» (همان: ۵۱۲)

زرین کوب معتقد است: «م احتمالاً همین دوستان بوده‌اند که لقب «حلاج» را نیز در حق او نه در معنی پنبه‌زن بلکه در معنی شکافنده اسرار - حلاج اسرار - تفسیر کرده‌اند. با این همه در بین کرامات و خوارق منسوب به او اشارت به پنبه‌زنی هم شده است و این نکته به طور وضوح حاکی است از شغل و حرفه‌ای که وی داشته است. ... این که پدرش در واسط به این حرفه اشتغال داشته است، ظاهراً در همه روایات قابل اعتماد آمده است و چنین می‌نماید که وی نیز صنعت را از پدر آموخته بود و یک چند نیز به همین حرفه اشتغال می‌داشت» (زرین کوب، ۱۳۷۹: ۱۳۳)؛ ولی عطار هیچ اشاره‌ای به شغل حلاج ندارد، و تنها کرامات وی را سبب این نامگذاری می‌داند.

ب. فتوای جنید در اعدام حلاج

عطار، جنید را یکی از فتوادهندگان اعدام حلاج می‌داند: «آن روز که ائمه فتوی دادند که او را بیاید کشت، جنید در جامه تصوف بود و فتوی نمی‌نوشت. خلیفه فرموده بود که: «خط جنید باید» چنان که دستار و ذراع در پوشید و به مدرسه رفت و جواب فتوی نوشت که: «نحن نحکم بالظاهر» - یعنی بر ظاهر حال کشتنی است و فتوی بر ظاهر است اما باطن را خدای دادند.» (عطار نیشابوری، ۱۳۹۰: ۵۱۱)؛ اما «از صوفیه بغداد در این زمان جنید حیات نداشت؛ از این رو قولی که در باب حکم او در تذکره‌الاولیاء عطار آمده است، نباید درست باشد، یا لاقلاً مربوط به این آخرین محاکمه حلاج نیست.» (زرین کوب، ۱۳۷۹: ۱۴۵)

پ. دیدار بایزید بسطامی با امام صادق(ع)

عطار در تذکره‌الاولیاء در دیدار بایزید با امام صادق(ع) و شاگردی ایشان، تنها به یک اشاره اکتفا نکرده، و سخن‌ها رانده است.

«پس بایزید از بسطام برفت، و سی سال در بادیه شام می‌گشت... و صد و سیزده پیر را خدمت کرد و از همه فایده گرفت و از آن جمله یکی جعفر صادق بود، رضی الله عنه» (عطار نیشابوری، ۱۳۹۰: ۱۳۹)؛ اما زرین کوب می‌گوید: «مدت عمر بایزید را هفتاد و سه سال گفته‌اند. در این صورت خواه وفات وی به سال ۲۳۴ واقع شده باشد و خواه به سال ۲۶۱ به هر حال ولادت وی سال‌ها بعد از وفات امام جعفر صادق(ع) - ۱۴۸ هجری - روی داده است و ملاقات آنها ناممکن خواهد بود.» (زرین کوب، ۱۳۷۹: ۳۷)

ت. تکرار یک حکایت برای دو یا چند عارف  
داستان حوری که به خواب ابوسلیمان دارایی آمد (عطار نیشابوری، ۱۳۹۰: ۲۳۹)، در سرگذشت احمد حواری نیز آمده است. (همان: ۳۰۱)

ث. احادیث مجعول  
در باب نخست از قول امام ششم شیعیان می‌خوانیم: «الهام از اوصاف مقبولان است و استدلال ساختن که بی‌الهام بود، از علامت رانندگان بود.» (همان: ۱۶) «بسیاری از اهل کلام شیعه درباره این نقل قول و دیگر گفته‌هایی که از امام آنان در تذکره‌الاولیاء بازگو شده یا یکسر مشکوک‌اند، و یا دیدی انتقادی دارند.» (احمدی، ۱۳۹۲: ۵۳)  
ج. انکار معصومیت امام صادق(ع)

در تذکره‌الاولیاء آمده است که امام صادق (ع) از موالی خود می‌خواهد هر که در قیامت رستگاری یابد، همه را شفاعت کند، و در پاسخ به حیرت آنان که چگونه است وی از دیگران شفاعت می‌خواهد، می‌فرماید: «من بدین افعال خود شرم دارم که به قیامت در روی جد خود نگرم.» (عطار نیشابوری، ۱۳۹۰: ۱۳)  
گذشته از جعلی بودن حدیث، این‌گونه استنباط می‌شود که عطار با وجود تکریم فراوانی که برای امام جعفر صادق(ع) قائل است، وی را معصوم نمی‌داند.  
چ. خلیفه زمان حلاج

عطار در شرح زندگی و مرگ حلاج، خلیفه زمان وی را معتصم می‌خواند: «پس جماعتی از اهل علم بر وی خروج کردند و سخن او پیش معتصم تباہ کردند و علی‌بن‌عیسی را که وزیر بود، بر وی متغیر گردانیدند» (همان: ۵۱۵)؛ در حالی که آن خلیفه‌المقتدر بالله بود: «حسین بن منصور حلاج در سال ۳۰۹ در زمان خلافت مقتدر عباسی به جرم ادعای باطل و کفر و الحاد و زندقہ به قتل رسید.» (الهامی، ۱۳۷۴: ۴۱۸)  
ح. دیدارهای حسن بصری با پیامبر(ص)

دیدارهای حسن بصری با پیامبر(ص) از دیگر مواردی است که به دلیل عدم انطباق تاریخی، از سوی پژوهشگران مردود است.  
«نقل است که روزی پیغمبر - علیه‌السلام - به خانه ام‌سلمه شد و حسن را در کنار او نهادند...» (عطار نیشابوری، ۱۳۹۰: ۲۶)

«حال آن‌که حسن در سنه بیست‌ویک، دو سال از خلافت عمر باقی مانده، متولد شد.» (عطار نیشابوری، مقدمه فزونی، ۱۳۷۹: ۲۳)  
خ. دیدارهای حسن بصری با رابعه عدویه

در تذکره‌الاولیاء در ذکر رابعه عدویه، به دیدارهای مکرر وی با حسن بصری اشاره شده است. (عطار نیشابوری، ۱۳۹۰: ۶۶-۷۳)

«عطار از لحاظ تاریخی در مورد حسن بصری و ملاقات‌ها و گفت‌وگوهایش با رابعه عدویه به کلی در اشتباه به سر می‌برده است. رابعه هرگز زمان حسن بصری را درک نکرده بوده است.» (پورجوادی، ۱۳۷۵: ۱۱۵)  
خ. ۱. اقوال مجعول

«گفتند با رابعه: حسن می‌گوید که اگر یک نفس در بهشت از دیدار حق محروم مانم، چندان بگریم و بنالم که همه اهل بهشت را بر من ترحم آید.» (عطار نیشابوری، ۱۳۹۰: ۶۸)

«در سخنی که عطار در این‌جا از حسن بصری نقل کرده است، نه تنها عقیده به دیدار خداوند در بهشت را به او نسبت داده است، بلکه از دیداری یاد کرده است که استمرار دارد. این سخن که شبیه آن به عبدالواحد بن زید و بایزید بسطامی هم نسبت داده شده است، بسیار بعید است که از حسن بصری باشد. مسأله دیدار خدا، آن هم دیدار مستمر او، موضوعی است که در تصوف عاشقانه می‌تواند مطرح باشد؛ تصوفی که در زمان حسن بصری هنوز شکل نگرفته بود.» (پورجوادی، ۱۳۷۵: ۱۱۵)

عطار سخنان زیر را از زبان رابعه نقل می‌کند:

«خداوندا! اگر تو را از خوف می‌پرستم، در دوزخم بسوز، و اگر به امید بهشت می‌پرستم، بر من حرام گردان، و اگر از برای تو تو را می‌پرستم، جمال باقی از من دریغ مدار» (عطار نیشابوری، ۱۳۹۰: ۷۴)؛ اما پیش از عطار، خواجه عبدالله انصاری در «طبقات الصوفیه» این عبارات را به علی بن موفق بغدادی نسبت داده است: «خداوندا! اگر من تو را از بیم دوزخ می‌پرستم، در دوزخم فرود آر، و اگر به امید بهشت می‌پرستم، هرگز در آنجای جای مده و فرو میار، و اگر به مهر می‌پرستم یک دیدار بنمای.» (انصاری هروی، ۱۳۶۲: ۲۴۰)

## ۶. بحث و بررسی

بر اساس شواهد نقل شده در می‌یابیم که تذکره‌الاولیاء «در ضبط وقایع و صحت مطالب خالی از مسامحه و مساهله نیست و مطالب ضعیف و مشکوک و احادیث موضوع و اغلاط تاریخی در آن بسیار یافت می‌شود.» (عطار نیشابوری، مقدمه قزوینی، ۱۳۷۹: ۲۳)

پس از شناسایی پاره‌ای از تفاوت‌ها و تناقض‌های تاریخی در کتاب تذکره‌الاولیاء، به جست‌وجوی دلایل وجود این اختلافات می‌پردازیم. این دلایل ابعاد گوناگونی دارد:

الف. انگیزه تألیف کتاب گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
«مقصود او [عطار] مسایل تاریخی نیست، بلکه نظر اصلی‌اش متوجه است به ایجاد ایمان و حسن اعتقاد نسبت به مشایخ و اکابر صوفیه و هدایت خوانندگان به معارف الهی و طرق تهذیب نفس و تصفیة باطن و تکمیل اخلاق و تلطیف حس انسانی.» (فروزانفر، ۱۳۹۰: ۹۳)  
شاید به دلیل آن‌که نویسنده قصد نقل تاریخ و حدیث ندارد و هدف وی به عبرت و وعظ و تمثیل و تهذیب معطوف بوده است، آن‌گونه که باید به صحت و سقم تاریخی آن توجه نکرده است؛ زیرا در هر حال به هدف خود که تعلیم و تهذیب است، دست خواهد یافت. می‌توان گفت تکرار یک حکایت برای دو یا چند عارف، ناشی از همین دیدگاه عطار است.

ب. باورداشت‌های مذهبی عطار

هرچند آشکار است که عطار در تألیف تذکره‌الاولیاء سعی داشته گفتار او از دیدگاه‌های فردی‌اش کمترین تأثیر را پذیرفته باشد، نتیجه آن‌چنان‌که باید با خواست وی منطبق نیست. برای نمونه می‌توان به ذکر احوال امام صادق (ع) اشاره کرد. آوردن ذکر امام صادق (ع) و ستایش وی در تألیف عطار که بر مذهب سنت بوده است، از قصد وی بر پرهیز از تعصب حکایت می‌کند؛ اما این که امام صادق (ع) را معصوم نمی‌داند، به اعتقادات وی باز می‌گردد و سبب می‌شود حدیثی را به ایشان نسبت دهد که مجعول است.

پ. جانب‌داری عرفانی

می‌توان برخی از اشتباه‌های تاریخی را که در تذکره‌الاولیاء درج شده است، ناشی از علایق و جانب‌داری‌های عرفانی وی دانست، که ارادت خاص عطار به منصور حلاج و خردگریزی وی، از جمله این جانب‌داری‌ها است که بر گزاره‌های وی تأثیرگذار بوده است.

عطار به حلاج ارادت تمام داشته است. «تأثیر روح حلاجی... در آثار معتبر منسوب به عطار مثل تذکره‌الاولیاء، منطوق- الطیر و الهی‌نامه همه جا پیدا است. از این‌ها گذشته... تکریم و علاقه‌ای هم که وی در مقدمه تذکره‌الاولیاء نسبت به یحیی بن‌عمار و یوسف همدانی اظهار می‌دارد، معرف گرایش خاص اوست به طریقه حلاج.» (زرین‌کوب، ۱۳۷۹: ۳۷) شاید به دلیل این علاقه و ارادت وافر عطار به حلاج است که نمی‌خواهد اشاره‌ای به شغل وی داشته باشد و سبب نام‌گذاری وی را تنها کرامات و مقام والای وی می‌داند.

یکی از ابعاد جهان‌بینی عطار، خردگریزی وی است. عطار می‌گوید: «عاشق مصلحت‌اندیش نیست. عاشق بی‌قرار است. درد عشق ناآرامی می‌طلبد. خرد آب است، عشق آتش. این دو با هم سازش ندارند.» (شجعی، ۱۳۷۳: ۱۹۳) نشانه‌هایی از خردگریزی عطار در تذکره‌الاولیاء به چشم می‌آید، و می‌توان برخی مطالب را از این زاویه نقد نمود. نسبت حدیثی که به خردستیزی تأویل می‌شود، به امام صادق (ع) که از سوی فقیهان شیعی رد شده است، گواهی بر این ادعا است.

ت. فراوانی منابع

به اعتقاد بسیاری از محققان و اذعان خود عطار، وی برای تألیف کتاب تذکره‌الاولیاء از منابع فراوانی بهره برده است. هرچند این کار سبب کثرت داده‌ها و اطلاعات می‌شود، می‌توان بسیاری از تناقض‌های تاریخی را نیز ناشی از همین امر دانست. با توجه به ارادتی که عطار به جنید بغدادی دارد، می‌توان اشتباه در تاریخ حیات او و دخالت وی در اعدام حلاج را یکی از تبعات استفاده از منابع بسیار دانست.

ث. ایجاز

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های سبکی تذکره‌الاولیاء، ایجاز آن در متن است. شاید بسیاری از گزاره‌های تاریخی به سبب کاربرد ایجاز، حذف شده‌اند و امروزه تشخیص دلیل این حذف و قصرها در یک بازشناسی انتقادی دشوار می‌نماید. برای نمونه، می‌توان اشاره نکردن به شغل حلاج و ارتباط آن با لقب وی را، هم در راستای ایجازگویی عطار قرار داد و هم به تعصبات عرفانی وی نسبت داد. به نظر می‌رسد عدم اشاره مستقیم به سال ولادت و وفات مشایخ نیز، از تأثیر ایجازگویی عطار در تذکره‌الاولیاء است.

www.anjomanfarsi.ir

## ۷. نتیجه‌گیری

آثاری که در سیرت مشایخ و احوال آنان تألیف شده است، هم در فهم آراء و سخنان آن‌ها می‌تواند مفید باشد، و هم در کشف بعضی نکات تاریخی و اجتماعی به کار می‌آید؛ اما کتاب تذکره‌الاولیاء انتظارات را برآورده نمی‌کند، و از بعد تاریخی با چالش‌هایی جدی مواجه است، و از این زاویه چندان نمی‌توان به آن استناد کرد؛ به گونه‌ای که تناقض‌هایی در تاریخ حیات مشایخ، وقایعی که برای آنان روی داده است، افکار و احوالی که بدان‌ها منسوب شده، دیدارهایی که با یکدیگر داشته‌اند و... در این اثر مشاهده می‌شود. دلایل متعددی می‌تواند دال بر ضعف استنادات تاریخی این کتاب ارزشمند باشد که از آن میان می‌توان به هدف عطار از نگارش تذکره‌الاولیاء، باورداشت‌های عقیدتی، جانب‌داری و حتی رواداری عرفانی، کثرت منابع مورد استفاده و تأکید بر ایجاز در نقل روایات که از مهم‌ترین ویژگی‌های سبکی این اثر است، اشاره کرد.

درآمدی بر بازشناسی انتقادی گزاره‌های تاریخی تذکره‌الاولیاء عطار نیشابوری / ۱۳۸۹

به‌طور کلی می‌توان گفت در قیاس با عمل خطیری که عطار در نگارش کتاب تذکره‌الاولیاء بر آن تأکید داشته است، از الگوی اعتدال پیروی نموده، و کوشیده است از اعمال دیدگاه‌های شخصی بپرهیزد، و مهم‌ترین دلیل وجود تناقض‌های تاریخی در تذکره‌الاولیاء را، می‌توان در انگیزه نگارش کتاب جست‌وجو کرد که رویکرد تاریخی در اولویت بعدی اهمیت قرار داشته است.

#### کتابنامه

- احمدی، بابک. (۱۳۹۲)، چهار گزارش از تذکره‌الاولیاء عطار، چاپ ششم، تهران: مرکز.
- الهامی، داود. (۱۳۷۴)، عرفان اسلامی و عرفان التقاطی، تهران: مکتب اسلام.
- انصاری هروی، خواجه عبدالله. (۱۳۶۲)، طبقات الصوفی، تهران: توس.
- پورجوادی، نصرالله. (۱۳۷۵)، رؤیت ماه در آسمان؛ بررسی تاریخی مسأله لقاءالله در کلام و تصوف، چاپ اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- زرین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۹)، جست‌وجو در تصوف ایران، چاپ ششم، تهران: امیرکبیر.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۹)، دفتر ایام: مجموعه گفتارها، اندیشه‌ها و جستجوها، چاپ پنجم، تهران: علمی.
- سجادی، سید ضیاءالدین. (۱۳۷۴)، مقدمه‌ای بر مبانی عرفان و تصوف، چاپ چهارم.
- شجعی، پوران. (۱۳۷۳)، جهان‌بینی عطار، چاپ اول، تهران: ویرایش.
- عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین محمد. (۱۳۹۰)، تذکره‌الاولیاء، بررسی، تصحیح، توضیحات و فهارس محمد استعلامی. ج بیست و دوم، تهران: زوار.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۹)، تذکره‌الاولیاء، تصحیح نیکلسون، مقدمه میرزا محمد بن عبدالوهاب قزوینی. تهران: اساطیر.
- فروزانفر، بدیع‌الزمان. (۱۳۹۰). عطار نیشابوری (نقد آثار و شرح احوال)، چاپ اول، تهران: معین.

هفتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی

www.anjomanfarsi.ir